

### متن پرسش

با تقدیم سلام و احترام: حضرت استاد اینکه بنده در ۲۰۰۹ بحث کفر و ایمان در عین ثابت را به میان کشیدم از این جهت بود که فکر می‌کنم سوال همه‌ی ما این است که چطور یک نفر، رحم زناکار، طلاق، فقر و منفی‌ها را با رضایت انتخاب کرده؟ بحث بر سر دوست داشتن و رضایت است که چطور باید این را حل کرد کسی الان از وضعیتش ناراضی است و در عین حال می‌گن تو با رضایت قبلا انتخاب کردی! بنده فکر می‌کنم کسی که وظیفه اش مثلا حفظ زندگی مشترک بوده ولی طلاق گرفته اولاً قطعاً رضایت داشته و طلاق گرفته و ثانياً طلاق در این شرایط صورت کفر بوده پس به کفر رضایت داده. چون کفر را دوست داشت صورتهای کفر را هم یقیناً دوست داشته همانطور که وقتی کسی را دوست داریم یادگاریها و آثارش را هم یقیناً دوست داریم پس باطن همه‌ی ما از وضعیت فعلی دوست داشتن است و ظاهرش نارضایتی یکی می‌رود توی چاه حین رفتن می‌گوید شاهد باشید من چاه را دوست نداشتم!! باطن این نارضایتی رضایت است. درست است جناب استاد؟ ۲. اینکه جناب لاهیجی در شرح گلشن راز فرموده اند: «اعیان مجعول به جعل جاعل نیستند چون جعل در موجودات خارجیہ استعمال می‌شود نه صور علمیه» به چه معناست؟ ۳. کتاب مقالات را مطالعه شده اما سالک در تشخیص صحت و سقم مکاشفه همچنان مشکل دارد ضمن اینکه برخی مطالب در خواب حل می‌شود اما در بیداری چیزی یادمان نمی‌آید که در جزوه آن بحث یادداشتش کنیم یا بسیار کم یادمان نمی‌آید چه کنیم؟ چه فایده از این عنایات وقتی چیزی در خاطرمان نمی‌ماند؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در هر حال انتخاب‌هایی که انسان می‌کند به یک معنا برایش مقبول است. مگر انتخاب‌های امروزی ما که با سختی روبه‌رو می‌شویم، همین‌طور نیست؟ ۲- اعیان ثابت به اعتبار امکان ذاتی موجودات مربوط به وجود امکانی خودشان است و خداوند در علم خود، عالم به نحوه‌ی امکانی آن‌ها است. لذا جعل به جاعل نیست، و به تعبیر محی‌الدین «ما شئت راحة الوجود» یعنی وجودی به عنوان پدیده‌ی خارجی ندارد، مگر آن‌که خدا به آن‌ها وجود دهد ۳- کشف، یک موضوع حضوری است ولی آن‌چه در حافظه می‌ماند، موضوع حصولی است. موفق باشید